

پژوهشهای حقوقی

شماره ۵

هزار و سیصد و هشتاد و سه - نیمسال اول

مقالات

- چالش‌های ورود کشورهای اسلامی به نظام حقوقی - اقتصادی بین‌المللی با تأکید بر ایران
- علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی
- تفسیر قضائی قانون اساسی در رویه دیوان عدالت اداری
- ساخت دیوار حائل در سرزمین اشغالی فلسطین: دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان حافظ صلح و امنیت بین‌المللی
- قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۴ و عملکرد شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آزمون اجرای حقوق بین‌الملل
- جنبه‌های حقوقی قراردادهای سرمایه‌گذاری بیع متقابل (Buy Back)
- حمایت از حق ثبت اختراعات در سازمان جهانی تجارت
- شیوه‌های جبران خسارت ناشی از نقض تعهد قراردادی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
- تعقیب کیفری کارگزاران عالی رتبه دولت‌ها در دادگاه‌های داخلی به اتهام ارتکاب جرائم بین‌المللی (دعوی کنگو علیه بلژیک در دیوان بین‌المللی دادگستری)

موضوع ویژه: نارسایی‌های حقوق شرکت‌های تجاری در ایران

- میزگرد راجع به ابعاد حقوقی سرمایه در شرکت‌های سهامی
- طرح پیشنهادی اصلاح ماده ۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت راجع به سرمایه اسمی شرکت
- حقوق سهامداران اقلیت در ادغام شرکت‌های تجاری
- نظارت بر عملکرد مدیران شرکت‌های سهامی عام توسط نهادهای دولتی در حقوق انگلیس و ایران
- تشریفات قانونی انتقال سهام در شرکت‌های سهامی

نقد و معرفی

- تأملی بر قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت در مورد حاکمیت لبنان و خروج نیروهای بیگانه از این کشور





http://jlr.sdil.ac.ir/article_44707.html

قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۴ و عملکرد شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آزمون اجرای حقوق بین‌الملل

نادر ساعد*

چکیده: شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از دو سال بررسی پرونده هسته‌ای ایران، پنجمین قطعنامه خود را در ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴ (۲۸ شهریور ۱۳۸۳) تصویب نمود. این نوشتار به نقد عملکرد شورای حکام به عنوان رکن اجرائی یک سازمان بین‌المللی تخصصی پرداخته است. به نظر نویسنده، قطعنامه مذکور به دلیل ارائه تفسیری عام از محدودیت حق توسعه صلح‌آمیز هسته‌ای متناسب با برداشت کشورهای توسعه‌یافته، با گذار از اصل رضائی بودن پذیرش معاهدات بر الزام ایران به تصویب پروتکل الحاقی اصرار می‌ورزد، تفکیک تعهدات حقوقی از الزامات اختیاری را نادیده گرفته و مغایر اصول و موازین حقوق بین‌الملل است.

کلیدواژه‌ها: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شورای حکام، برنامه هسته‌ای ایران، حقوق بین‌الملل، قانون‌سازی.

مقدمه

با تدوین گزارش مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تصویب قطعنامه^۱ شورای حکام^۲ در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴ (۲۸ شهریور ۸۳)، پرونده هسته‌ای ایران در

* دانشجوی دوره دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران

¹ GOV/2004/79, 18 Sep. 2004.

² The Board of Governors

آژانس، دوساله شد. چالش کشورمان با آژانس در خصوص ماهیت برنامه هسته‌ای ایران از ماه اوت ۲۰۰۲ (شهریور ۱۳۸۱) آغاز و به یکی از موارد ثابت در دستور کار شورای حکام تبدیل شد. حساسیت این موضوع برای افکار عمومی جهانی به گونه‌ای است که در وضعیت کنونی، نتایج مذاکرات شورای حکام و قطعنامه این شورا، به یکی از مهمترین موضوعات مطروحه در رسانه‌های گروهی و محافل تخصصی حقوق و روابط بین‌الملل تبدیل شده است.

مدیرکل آژانس بر اساس مقررات اساسنامه^۳ و فرامین مندرج در قطعنامه‌های شورای حکام، تاکنون شش گزارش مفصل در خصوص محورهای فعالیت هسته‌ای در ایران و با عنوان «اجرای موافقتنامه پادمان در ایران»^۴ تنظیم و به شورای حکام تقدیم نموده^۵ و در قالب آن، علاوه بر اعلام فعالیت‌های انجام شده از سوی دبیرخانه و به ویژه بازرسان آژانس در ایران، یافته‌های این اقدامات و پیشرفت‌های صورت گرفته از جمله نوع همکاری‌های صورت گرفته نیز مشخص گردیده است. در بررسی این گزارش‌ها و قطعنامه‌ها، آنچه بیش از همه قابل تأمل است، فراز و نشیب نگرانی‌های آژانس از ماهیت برنامه هسته‌ای کشورمان است. با این حال، هیچ‌گاه نگرانی‌های آژانس تا به حدی نرسیده که فضای لازم برای مختمه شده پرونده ایران در شورای حکام را فراهم سازد بلکه به عکس، همواره احتمال ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت و اقدامات تنبیهی یا قهری این شورا علیه ایران باقی مانده و همین امر سبب شده است که عملاً از آن به عنوان ابزاری برای اعمال فشار هرچه بیشتر بر ایران استفاده شود.

در این نوشتار، به بررسی مختصر قطعنامه اخیر پرداخته خواهد شد و برخی از مؤلفه‌های آن از حیث نقشی که در تحولات منتهی به توسعه تدریجی یا بدعت در

^۳ بندج ماده ۱۲ اساسنامه آژانس.

^۴ Implementation of the NPT Safeguard Agreements in the I.R. of Iran.

^۵ گزارش‌های ششگانه آژانس که از ژوئن ۲۰۰۳ تا سپتامبر ۲۰۰۴ تهیه و منتشر شده‌اند به ترتیب عبارتند از: گزارش ژوئن ۲۰۰۳، سپتامبر ۲۰۰۳، نوامبر ۲۰۰۳، فوریه ۲۰۰۴، ژوئن ۲۰۰۴ و نهایتاً گزارش اول سپتامبر ۲۰۰۴ به عنوان آخرین گزارش دبیرخانه. پیرو همین گزارش و در نتیجه ارزیابی‌هایی که شورای حکام در خصوص ماهیت برنامه هسته‌ای ایران انجام داده است، پنج قطعنامه و یک بیانیه به شرح زیر صادر شده است: بیانیه ۱۹ ژوئن ۲۰۰۳ رئیس شورای حکام، قطعنامه ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳، قطعنامه ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳، قطعنامه ۱۳ مارس ۲۰۰۴، قطعنامه ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴ و نهایتاً قطعنامه ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴.

ادبیات حقوق بین‌الملل دارد، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

بند اول: تأملی بر محورهای مورد بررسی شورای حکام و مفاد قطعهنامه سپتامبر ۲۰۰۴

با توجه به قطعهنامه ژوئن ۲۰۰۴ شورای حکام^۶ و آخرین گزارش مدیرکل آژانس،^۷ همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد شورای حکام مشخصاً به مواردی که این دو سند به عنوان نقاط نگرانی آژانس یا مسائل هنوز حل نشده و باقیمانده (Outstanding and remained Issues) تلقی کرده بودند، پرداخت. این مسائل عمدتاً عبارت بودند از: تعلیق و از سرگیری غنی‌سازی، تبدیل اورانیوم و ساخت رآکتور تحقیقاتی آب سنگین، فن‌آوری غنی‌سازی و مسائل مرتبط با برنامه P1 و P2 و نهایتاً منشأ آلودگی‌های به دست آمده در ایران. مسأله عدم تصویب پروتکل الحاقی را در بند بعد تحلیل خواهیم کرد.

۱. مسأله تعلیق و از سرگیری غنی‌سازی

یکی از اقدامات ایران در تعدیل فشارهای بین‌المللی ناشی از آغاز بررسی پرونده هسته‌ای کشورمان در آژانس، قبول تعلیق غنی‌سازی بود که از زمان صدور اولین قطعهنامه آژانس (مورخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳)،^۸ چنین تعهدی با ظاهر «اختیاری و داوطلبانه بودن»، تحمیل شد. با این حال، همان‌طور که در جریان مراحل بعدی مسلم شد، هرگز این موضوع به صورت مسأله‌ای داوطلبانه جلوه نکرد بلکه آژانس تحت فشار برخی دولت‌ها درصدد برآمد تا مدیریت این امر را به دست گیرد و مثلاً با ارائه تعریف از «تعلیق» یا تأسیسات مشمول تعلیق، تلاش کرد تا گستره این اقدام را به ضرر ایران افزایش دهد. از طرف دیگر، آژانس تا بدآنجا پیش رفت که تعلیق اختیاری ایران را کافی ندانست و تأیید و راستی‌آزمایی (verification) اقدامات ناظر بر تعلیق غنی‌سازی و بازفرآوری را از سوی بازرسان آژانس، ضروری دانست و بدین ترتیب،

⁶ GOV/2004/49, 18 June 2004.

⁷ GOV/2004/60, 1 Sep. 2004.

⁸ GOV/2003/69, 12 sep. 2003.

بر تعهدات ایران در قبول بازرسی‌های در محل،^۹ افزود. این در حالی بود که غنی‌سازی، اقدامی ممنوع از دیدگاه مقررات حقوقی ناظر بر نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای نبوده بلکه تنها در چارچوب مقررات پادمانی مندرج در ماده ۲ پروتکل الحاقی (آن هم در صورتی که چنین پروتکلی با طی مراحل مندرج در قانون اساسی به تصویب دولت ذی‌ربط رسیده باشد)، قابل نظارت توسط آژانس می‌باشد. پس از این همه اقدام و خود محدودسازی‌های اختیاری ایران، آژانس چندان وقعی بدان نهاد و نهایتاً مسؤولان هدایت دیپلماتیک پرونده هسته‌ای کشور دریافتند که بهتر است به جای رهیافت «عمل کامل به خواسته‌های آژانس» به رویکردی دیگر به ویژه «مقاومت نسبی و گریز از تسلیم» روی آورند. در همین راستا، چند هفته بازرسی آژانس از اقدامات غنی‌سازی به تأخیر افتاد تا دبیرخانه آژانس از تحمیل اراده کامل خود بر ایران صرف‌نظر نماید.

بر اساس بندهای c و d قطعنامه ۱۸ سپتامبر، «با توجه به ابراز نگرانی شدید خاطر نشان می‌سازد همان‌طور که در گزارش مدیرکل به تفصیل آمده است، ایران به درخواست‌های مکرر شورا برای تعلیق تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری اعتنا نکرده است. همچنین نگران است که ایران قصد دارد به عنوان بخشی از فرآیند آزمایش در تأسیسات تبدیل اورانیوم، ۲۷ تن کیک زرد^{۱۰} را مورد استفاده قرار دهد و این برخلاف درخواست شورا از ایران در قطعنامه ژوئن ۲۰۰۴ می‌باشد». بند ۱ اجرائی (operational paragraph) قطعنامه نیز با اشاره به لزوم دسترسی آژانس به کلیه افراد، اماکن و اطلاعاتی که موجب درک دامنه و ماهیت برنامه غنی‌سازی هسته‌ای ایران شود، به تکرار مفادی از بند ۳ اجرائی قطعنامه ماه ژوئن پرداخته^{۱۱} و تأکید کرده است که این امر برای روشن شدن مسائل تا پیش از

⁹ On-site Inspection

^{۱۰} کیک زرد (yellow cake) یا دی‌اکسید اورانیوم ماده اولیه سمی است که برای تولید میله‌های سوخت هسته‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Hawley Gessner, *The Condensed Chemical Dictionary*, New York, Van Nostrand Reinhold Company Ltd., 1981, p. 1072.

^{۱۱} مفاد این بند چنین است: تأکید می‌نماید که با گذشت زمان، کار فعالانه ایران برای قادر ساختن آژانس به کسب درکی کامل از برنامه غنی‌سازی ایران، از طریق ارائه تمام اطلاعات ذی‌ربط و نیز دسترسی فوری به تمام محل‌ها، اطلاعات و افراد مرتبط، بیش از هر زمان اهمیت یافته و از ایران

نشست بعدی شورا در ماه نوامبر «ضروری» است. بند سوم اجرائی قطعهنامه نیز با ابراز نگرانی عمیق از عدم ادامه تعلیق غنی‌سازی توسط ایران، اعلام نموده است که:

«عمیقاً ابراز نگرانی می‌کند که عدم ادامه تصمیمات داوطلبانه ایران برای تعلیق فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازفرآوری که در ۲۹ دسامبر ۲۰۰۳ و ۲۴ فوریه ۲۰۰۴ به آژانس اعلام شده بود به طور چشمگیری درک آژانس از میزان آن تعهدات را نادیده می‌گیرد و اینکه ایران از آن زمان تاکنون از برخی از آن تصمیمات عدول نموده است، تأکید می‌کند که چنین تعلیقی اعتمادی هرچه بیشتر درباره فعالیت‌های آینده ایران به شورا خواهد داد و به نظر شورا، ضروری است که ایران فوراً تمامی فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی از جمله ساخت یا واردات قطعات مونتاژ و آزمایش سانتریفیوژها و تولید مواد اولیه از جمله انجام آزمایش و یا تولید در تأسیسات تبدیل اورانیوم را به حالت تعلیق درآورد و این مسأله از سوی آژانس بررسی می‌شود.»

این موضوع، یکی از محورهایی است که مدیرکل بر اساس بندهای ۸ و ۹ قطعهنامه باید تا قبل از نشست ماه نوامبر در مورد آن به اعضای شورای حکام گزارش نماید.

۲. تبدیل اورانیوم و ساخت رآکتور تحقیقاتی آب سنگین

در قطعهنامه ماه ژوئن پیرامون تصمیم ایران به تبدیل اورانیوم و همچنین ساخت رآکتور تحقیقاتی آب سنگین در اراک آمده بود که:

«در رابطه با تصمیم داوطلبانه ایران در مورد تعلیق تمامی فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازفرآوری، از ایران می‌خواهد به عنوان یک اقدام اطمینان‌ساز دیگر، داوطلبانه تصمیم خود در مورد آغاز تولید آزمایشی تأسیسات تبدیل اورانیوم را مورد بررسی مجدد قرار دهد و همچنین به عنوان یک اقدام اطمینان‌ساز باز هم بیشتر تصمیم خود در مورد آغاز ساخت یک رآکتور تحقیقاتی آب سنگین را مورد بررسی مجدد قرار دهد، چرا که تغییر این تصمیمات اعاده اعتماد

← می‌خواهد همکاری خود را ادامه داده و تشدید نماید تا آژانس بتواند تضمین‌های لازم در مورد فعالیت‌های هسته ایران را به جامعه بین‌المللی ارائه دهد.

بین‌المللی را که بر اثر گزارش‌های قبلی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای اعلام نشده ایران تضعیف شده بود، برای ایران آسانتر خواهد ساخت.»

نکاتی از همین مسأله در قطعنامه جدید نیز تکرار شده است. بر اساس بند f مقدمه قطعنامه اخیر، از تصمیم ایران برای تبدیل ۲۷ تن کیک زرد ابراز نگرانی جدی شده است. در بند ۴ قطعنامه نیز از ایران خواسته شده که به عنوان یک اقدام اعتماد ساز و داوطلبانه! دیگر از تصمیم به ساخت رآکتور تحقیقاتی آب سنگین در اراک منصرف شود. در واقع، شورا بر تصمیم خود برای تحمیل این اقدام دیگر اعتماد ساز، اصرار داشته و در پوشش «داوطلبانه» بودن، ایران را تا الزام به قبول آن تعقیب کرده و در فشار قرار داده است.

تأکید شورا بر اعتمادسازی به عنوان مبنای این درخواست‌ها، مؤید این است که از نظر حقوق بین‌الملل ناظر بر عدم گسترش، ساخت رآکتور تحقیقاتی و همچنین تبدیل اورانیوم ممنوع نبوده و اعلام قبلی این اقدامات ضمن قبول نظارت‌های پادمانی آژانس، سوءظن مربوط به مقاصد غیرصلح‌آمیز آنها را منتفی می‌سازد.

۳. فن‌آوری غنی‌سازی و مسائل مرتبط با برنامه P1 و P2

در گزارش اخیر با اینکه پیش‌بینی می‌شد در پی اقدامات به عمل آمده از سوی ایران، اطلاعات ارائه شده و به ویژه دسترسی به اماکن مختلف مورد درخواست آژانس، دیگر مسأله برنامه سانتریفیوژهای P1 و P2 از زمره نگرانی‌های آژانس خارج شده باشد، اما گزارش اخیر بار دیگر این نگرانی‌ها را تکرار نمود. بر اساس بند ۵۸ گزارش اخیر، وضعیت فعالیت‌های ایران در حد فاصل سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ در مورد برنامه‌های P1 و P2 هنوز برای آژانس مشخص نشده و از این رو، آژانس نمی‌تواند فقدان فعالیت ایران در این مدت را تأیید نماید. بدین منظور باید کار آژانس ادامه یابد. در بند ۲۶ گزارش نیز همین امر با صراحت بیشتری مورد تأکید قرار گرفته و بر اساس آن، توضیحات ایران نه تنها مؤید فقدان فعالیت نیست بلکه به آژانس چنان اطمینانی نمی‌دهد که در این مدت هیچ فعالیتی در این رابطه صورت نگرفته است.

در بند C قطعنامه اخیر با اشاره به گزارش فوق، مقرر گردیده که اقدام آژانس

برای درک دامنه برنامه ساترفیوژهای P-1 و P-2 هنوز به اقدام بیشتری نیاز دارد. از طرف دیگر، این مسأله نیز از جمله موضوعاتی است که دبیرخانه آژانس باید با اتمام کار خود تا قبل از نشست ماه نوامبر، زمینه‌های لازم برای تدوین گزارش بعدی مدیرکل را فراهم نماید. در هر حال، آنچه در این خصوص بسیار قابل توجه است این است که با توجه به سطح اطلاعات ارائه شده از سوی ایران قبل از این نشست، تصور می‌شد که دیگر این مسأله چندان حساسیتی برای آژانس نداشته و از زمره مسائل حل شده باشد. اما برخلاف این پیش‌بینی‌ها، هنوز این موضوع در صدر نگرانی‌های باقیمانده قرار دارد.

۴. منشأ آلودگی‌های به دست آمده و موفقیت نسبی ایران

در گزارش آخر دبیرخانه آژانس، منشأ آلودگی‌های یافته شده در ایران به ویژه در نطنز، کالای الکتریک، فرآیند تکنیک و پارس تراش به دو صورت منعکس شده است. از یک سو، تأیید شده که آلودگی‌های با غنای بالا از تجهیزات وارداتی نشأت می‌گیرد و سطح فنی فعالیت‌های اماکن نمونه‌برداری شده (نطنز و کالای الکتریک) تا حدی نبوده که چنین سطحی از غنی‌سازی را حاصل نماید. اما از طرف دیگر، تفاوت آلودگی‌ها از نظر میزان اورانیوم، دلیلی بر عدم پذیرش دیدگاه‌های ایران محسوب گردید و داشتن منشأ خارجی برای تمامی این آلودگی‌ها رد شد. بنابراین، منشأ آلودگی در سایر محل‌های نمونه‌برداری شده هنوز به قوت خود باقی است ضمن اینکه ظاهراً پاکستان به آژانس اعلام کرده است که آلودگی‌هایی که به تجهیزات وارداتی از این کشور منتسب می‌شود، تماماً صحیح نبوده و احتمالاً کشورهای دیگر نیز در این خصوص دخیل هستند. در خصوص تبدیلات (Conversions) نیز آژانس در بند ۳۳ گزارش خود آن را با اظهارات توجیهی ایران در خصوص ابعاد مختلف و انگیزه آنها در این خصوص همساز دانسته و اظهارات ایران را تأیید نموده است.

اما قطعهنامه سپتامبر بدون توجه به درخواست‌های مدیرکل^{۱۲} و تأیید عادی شدن رابطه آژانس و ایران در این حدود، صرفاً نقاط منفی گزارش مدیرکل را مورد تأکید و تعقیب قرار داده است. آژانس همچنان بر لزوم روشن شدن منشأ آلودگی‌ها اصرار دارد و در بند پنجم نیز از کشورهای ثالث خواسته است تا در این خصوص با

¹² Gov/2004/60, para. 57, p. 10.

آژانس همکاری کامل و فوری به عمل آورند.

بند دوم: قاعده‌سازی آژانس و گذار از اصول حقوق بین‌الملل: تقلید از شورای امنیت

سازمان ملل متحد تنها سازمان بین‌المللی عمومی در میان مجموعه‌ای از سازمان‌های تخصصی است که هم به واسطه سند و منشور تأسیس خود و به دلیل اقبال نسبی و عملی آن، در تصمیم‌سازی و تعقیب منافع جمعی دولت‌ها در نظم دولت محور حاکم بر روابط بین‌المللی کنونی و جاهت خاصی دارد. در این میان، فعالیت‌های شورای امنیت به عنوان رکن اجرائی این سازمان جهانشمول، عملاً به گونه‌ای بوده که به دلیل اقتران صوری یا حقیقی با مسأله صلح و امنیت بین‌المللی، الزاماً نظر دولت‌ها را به خود جلب نموده و آنها را به تبعیت واداشته است. شورا نیز از این مسأله به عنوان مجرای برای اتخاذ تصمیمات شبه قانونگذاری استفاده کرده و گاه در خلال اتخاذ تصمیم در قبال یک قضیه و واقعه، تصمیمی اتخاذ کرده (و می‌کند) که دامنه تأثیرگذاری آن به مراتب فراتر از آن مصداق بوده و موارد مشابه آتی را نیز دربردارد.

اما آیا شورای حکام به عنوان رکنی اجرائی در یک سازمان تخصصی که عضو خانواده ملل متحد نیز نیست، می‌تواند با توصیف مشابهت خود با شورای امنیت، در وادی صلح و امنیت بین‌المللی (حداقل به مفهومی خاص و در حد عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای) وارد شود و تصمیمی عام اتخاذ نماید. این قطعنامه مجالی برای ارزیابی این موضوع خواهد بود. از طرف دیگر، شورا بدون رعایت تفکیک حقیقی بین «تعهدات حقوقی» و «الزامات غیر حقوقی»، عملاً التزام دولت‌ها (حداقل ایران) به عدم انصراف از قبول و اجرای الزامات داوطلبانه از نوع اعتمادسازی را همانند التزام به تعهدات حقوقی قلمداد کرده و ایران را بدان خاطر خطاب قرار داده است.

۱. تفهیم حق توسعه صلح‌آمیز در پهنه قبول و اجرای پادمان هسته‌ای - ۱

شورا با پیش‌بینی بندهای f و g مقدمه قطعنامه، ضمن تقلید از رویه شورای امنیت در قانونگذاری بین‌المللی، با استفاده از فضایی که بررسی برنامه هسته‌ای ایران فراهم

کرده است، به تبیین دامنه حق توسعه صلح‌آمیز هسته‌ای و رابطه آن با منع فعالیت در زمینه سلاح‌های هسته‌ای پرداخته است. عبارت‌پردازی‌های این دو بند کاملاً گویای آن است که محتوای آن تأثیر موردی نداشته بلکه بخشی از نگرش فراگیر آژانس به مقوله نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای است که می‌تواند مؤید قبول تفسیر کشورهای توسعه‌یافته (و هسته‌ای) از حق بر توسعه صلح‌آمیز باشد.^{۱۳}

بر اساس حقوق سازمان‌های بین‌المللی (مبتنی بر صلاحیت ضمنی، رویکرد عملکردگرایی (Functionalism))، گستره صلاحیت سازمان‌ها را باید بر اساس اسناد تأسیس آنها و در راستای تحقق اهدافشان ترسیم کرد. بر این اساس، فلسفه پیدایش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نه محدود کردن بلکه «تلاش برای تسریع و توسعه سهم انرژی اتمی در صلح، سلامت و سعادت سراسر جهان»^{۱۴} و تلاش برای ایجاد وسایل لازم جهت استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و کمک به تحقق اهداف اصول منشور در جهت استقرار صلح و همکاری بین‌المللی است.^{۱۵} آژانس تنها می‌تواند با استناد به بند ۲ ماده ۳ آن. پی. تی. انتقال مواد قابل شکافت و تجهیزات مخصوص هسته‌ای به کشورهای غیرهسته‌ای را منوط به قبول پادمان نماید. اما این سازمان در عمل کمک به توسعه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای را در پوشش عدم گسترش رها کرده است و دولت‌های هسته‌ای نیز همین رویه را در پیش گرفته‌اند.

با اینکه عدم گسترش، هدف و موضوع معاهده ۱۹۶۸ را تشکیل می‌دهد و در این حالت، انتقال فن‌آوری هسته‌ای برای مقاصد صلح‌جویانه یک امر فرعی و ثانوی است،^{۱۶} به نظر می‌رسد که نمی‌توان «هدف» این معاهده را به صورت مضیق تفسیر نمود و صرفاً به «عدم گسترش» محدود کرد. بلکه هدف این معاهده تأمین عدم گسترش افقی بدون خلل وارد کردن در فرآیند توسعه دولت‌ها است. بنابراین،

^{۱۳} به موجب این دو بند: «حق دولت‌ها بر توسعه و استفاده عملی از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز از جمله تولید نیروی برق با تعهدات معاهده‌ای خود با توجه ویژه به نیازهای کشورهای در حال توسعه، به رسمیت می‌شناسد و بر نیاز به پادمان مؤثر برای پیشگیری از کاربرد مواد هسته‌ای برای مقاصد ممنوعه در مغایرت با موافقتنامه‌های پادمان تأکید می‌کند و اهمیت حیاتی پادمان‌های مؤثر برای تسهیل همکاری بین‌المللی در عرصه انرژی هسته‌ای را مورد تأکید قرار می‌دهد.»

^{۱۴} ماده ۲ اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

^{۱۵} ماده ۱۱ اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

^{۱۶} دکتر ابراهیم بیگزاده، «بدیع بودن معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در حقوق بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، پائیز ۷۴ تا بهار ۷۵، ش ۱۷-۱۶، ص ۲۸۳.

«توسعه» نیز در قلب معاهده قرار داشته و به معنای کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات هدف و موضوع آن است. از این منظر، دلیلی موجه و قانع‌کننده وجود ندارد که بر اساس آن بتوان مواد ۱ و ۲ را بر مواد ۴ و ۵ آن معاهده برتری داد. حق بر توسعه همراه با «حق بر زیست در صلح» دو روی یک سکه‌اند.^{۱۷} در این میان، حق در صلح زیستن شرط لازم برای استیفای حق بر توسعه است و بیشتر از آن اینکه حق توسعه ضامن بقای صلح یا پدیداری صلح پایدار و واقعی است.^{۱۸} با این حال، دولت‌های هسته‌ای با تفسیر یکطرفه نظام عدم گسترش به عنوان بخشی از حقوق صلح^{۱۹} یا در جهت ایجاد و حفظ صلح، کمر به قطع حق بر توسعه بسته‌اند. در این صورت، صلح مبتنی بر عدم توازن قدرت هسته‌ای (بقای ذخایر هسته‌ای پنج قدرت در کنار توانمندی هسته‌ای دولت - رژیم‌های آستانه یا غیرعضو عدم گسترش) مسائل غامضی را در روابط بین‌المللی پدید آورده است که این صلح متکی بر تبعیض را به شدت در معرض تهدید قرار داده است.

قطعنامه اخیر نیز با در پیش گرفتن تعبیر کشورهای توسعه‌یافته، عملاً تفوق نظام عدم گسترش بر حق توسعه صلح‌آمیز را در پیش گرفته است. بر همین اساس، بر رابطه بین قبول و اجرای پادمان مؤثر، به عنوان وسیله تسهیل همکاری بین‌المللی صلح‌آمیز در عرصه انرژی، تأکید شده است. جای تأسف است که کشورهای در حال توسعه به ویژه اعضای جنبش عدم تعهد، به قبول این تفسیر تن داده و وفاق عام (کنسانسوس) در پذیرش این قطعنامه را بر هم نزدند. شایان ذکر است که این قطعنامه حق توسعه صلح‌آمیز هسته‌ای را برای «کلید دولت‌ها» به رسمیت شناخته است و تلویحاً مزایای ماده ۴ ان. پی. تی. را به غیراعضاء هم تسری داده که این امر می‌تواند به مثابه مانعی برای جهانشمولی این معاهده عمل نماید.

^{۱۷} همان، ص ۲۹۲.

^{۱۸} به قول پروفیسور بجاوی «اعمال حاکمیت سیاسی مستلزم حاکمیت اقتصادی است»؛ بنابراین، جایگاه توسعه در نظم بین‌المللی نباید مورد کم‌بینی قرار گیرد. نک: محمد بجاوی، «یک نظریه جهان سومی درباره سازمانهای بین‌المللی: اقدام برای نظم نوین اقتصادی بین‌المللی»، به نقل از: ژرژ ابی صعب، *مفهوم سازمانهای بین‌المللی*، ترجمه ایرج یاد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۲۹۰.

^{۱۹} هدایت‌الله فلسفی، «نابرابری دولت‌ها در قبول و اجرای معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای»، *مجله حقوقی*، ۱۳۷۳-۷۴، شماره ۱۸-۱۹، ص ۱۹.

۲. مرزبندی تعهدات حقوقی و الزامات اعتماد ساز در عملکرد شورای حکام آژانس

فارغ از رابطه‌ای که اقدامات آژانس و قطعه‌نامه اخیر با ایران دارد، ارزیابی فرآیند توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل عمومی از این مجرا نیز قابل تأمل است. یکی از پی‌آمدهای حقوقی قطعه‌نامه‌های پنجگانه شورا در مورد برنامه هسته‌ای ایران که در قطعه‌نامه اخیر شدت یافته است، تفکیک تصنعی «الزام حقوقی» از «التزام اعتمادسازی» است. با اینکه در ادبیات حقوقی، صرفاً تعهدات حقوقی الزام‌آور (legally binding) قابل طرح بوده و مورد اثر هستند، اما عملکرد آژانس به عنوان یک سازمان بین‌المللی تخصصی در بررسی پرونده هسته‌ای ایران به گونه‌ای است که با حفظ فاصله صوری این تعهدات با التزامات سیاسی، عملاً ایفای الزامات غیرحقوقی را نیز همانند عمل به تعهدات حقوقی، مدنظر قرار داده و تنها با قبول چنین خواسته‌ای، تأیید پای‌بندی (compliance) یک کشور عضو به نظام عدم گسترش را قابل قبول دانسته است. این امر به ویژه از بند آخر قطعه‌نامه مبنی بر تصمیم‌گیری شورا در نشست بعدی در مورد اقدام ایران به خواسته‌های اعتمادسازی مندرج در قطعه‌نامه‌ها، کاملاً پیدا است.

این در حالی است که وظیفه آژانس، نظارت بر حسن اجرای تعهدات مندرج در معاهده عدم گسترش (معاهده‌ای غیر از سند تأسیس این آژانس) و اسناد متعلق به آن است. منظور از تعهدات مذکور، مفاد آن. پی. تی. و موافقتنامه‌های پادمان بوده و الزاماً به «تعهدات حقوقی» محدود می‌باشد. از این رو، هرگونه اعمال فشار شورای حکام برای تعمیم مسئولیت تضمین حسن اجرای نظام عدم گسترش به «تحمیل اقدامات اختیاری» خواه به عنوان اعتمادسازی یا غیر آن، با حدود اختیارات متعارف شورا در پرتو تفسیر اسناد تأسیس آژانس و معاهده عدم گسترش ناسازگار است. با این حال، دولت‌های عضو شورای حکام با عدم واکنش نسبت به چنین عملکردی، آن را به صورت تلویحی مورد پذیرش قرار داده‌اند.

شایان ذکر است که در میان موارد ابراز نگرانی شورای حکام در قطعه‌نامه اخیر، چهار مورد صرفاً مستند به کناره‌گیری ایران از قبول الزامات داوطلبانه و اختیاری اعتمادسازی می‌باشد. اثر حقوقی طبیعی نهفته در مفهوم «التزام اختیاری»، ارادی بودن زمان، شرایط قبول آن التزام و همچنین مشروعیت انصراف است. با اینکه ایران از ابتدای قبول این الزامات، اختیاری یا داوطلبانه بودن را متذکر شده و آژانس نیز در

اسناد خود بدین امر تصریح نموده است، معلوم نیست که اصرار بر عدم استرداد قول‌های اختیاری ایران به انجام یا عدم انجام یک سلسله اقدامات را چگونه می‌توان در پرتو حقوق سازمان‌های بین‌المللی توجیه نمود.

۳. الزام ایران به تصویب پروتکل الحاقی: چشم‌انداز آینده اصل رضائی بودن پذیرش معاهدات یکی از نکات مشترک در تمامی قطعنامه‌های چهارگانه آژانس درباره ایران، تأکید بر لزوم تصویب پروتکل الحاقی بوده است. قطعنامه‌های مصوب شورا در ژوئن ۲۰۰۴، ۱۳ مارس ۲۰۰۴، ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳، ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳ و حتی بیانیه مورخ ۱۹ ژوئن ۲۰۰۳، همگی به این امر اشاره داشته و نقش آن در حل و فصل ابهامات مربوط به پرونده ایران را یادآوری کرده‌اند. در بند ششم بندهای اجرائی قطعنامه قبلی آژانس در ماه ژوئن، با ایجاد رابطه بین تصویب و اجرای پروتکل و مسأله حل و فصل نگرانی‌های آژانس درباره برنامه هسته‌ای کشور، مقرر شده است که:

بر اهمیت ادامه اقدام ایران بر اساس مقررات پروتکل الحاقی در ارائه تضمین مجدد به جامعه بین‌المللی درباره ماهیت برنامه هسته‌ای خود تأکید می‌نماید و بر تصویب بدون تأخیر پروتکل توسط ایران اصرار می‌ورزد (Urges).

در قطعنامه آخر نیز همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، در خصوص عدم اقدام ایران به تصویب پروتکل چنین مقرر شد: «با تأکید بر اهمیت ادامه اقدامات ایران بر اساس مقررات پروتکل الحاقی از جمله با ارائه دسترسی کامل در زمان تعیین شده، بر تصویب بدون تأخیر پروتکل توسط ایران اصرار می‌ورزد» (بند ۲ قطعنامه). با این حال، نکته جالب توجه در این خصوص آن است که الزام ایران به تصویب سریع پروتکل، به قطعنامه‌های قبلی شورا مستند نشده بلکه به صورت مطلق و به عنوان مسأله‌ای مهم (در حل نگرانی‌های آژانس و دولت‌های عضو شورای حکام) عنوان گردیده است. در هر حال، این موضوع در تمامی قطعنامه‌های پنجگانه و بیانیه رئیس شورا در سال ۲۰۰۳ نیز تکرار شده و از این جهت، یکی از محورهای اصلی ادامه کار شورای حکام خواهد بود.

این در حالی است که اصل رضائی بودن پذیرش معاهدات بین‌المللی، سنگ

بنای حقوق بین‌الملل معاهدات^{۲۰} و نمودی از ارادی بودن حقوق بین‌الملل است که خود از اصل بنیادین حاکمیت دولت‌ها و برابری این حاکمیت‌ها نشأت می‌گیرد.^{۲۱} این اصل نتایج و آثار حقوقی خاصی دارد که فرآیند پذیرش معاهدات را تحت نظم و انتظام قرار می‌دهد و فقدان اعلام اراده صحیح و سالم دولت‌ها را به موجبی برای مخدوش شدن اعتبار و یا آثار آن معاهده نسبت به دولت ذی‌ربط تبدیل می‌نماید.^{۲۲} اینکه شورا از ژوئن ۲۰۰۴ تا کنون عدم تصویب پروتکل را نکته‌ای منفی در پرونده هسته‌ای ایران تلقی می‌کند و بر تعمیق قبول و اجرای رژیم نابرابر عدم گسترش^{۲۳} اصرار دارد، از نظر حقوقی بسیار قابل تأمل است. این امر اقدامی نامشروع و مغایر با حقوق بین‌الملل کنونی است و یا آنکه از تحول در حقوق بین‌الملل معاهدات به نفع تضمین صلح و امنیت بین‌المللی در وضعیت امروزی حکایت دارد.^{۲۴}

۴. کارکرد بیطرفانه شورای حکام در بوته نقد

با مقایسه مفاد گزارش آخر دبیرخانه با قطعنامه نهایی شورای حکام ملاحظه می‌شود که این شورا با تأثیرپذیری از فضای سیاسی موجود بدون رعایت اصل عدم جانبداری (Impartiality) که یکی از اصول الزامی در مشروعیت و مقبولیت عملکرد هر سازمان بین‌المللی است، عمدتاً بدون توجه به نقاط مثبت این گزارش برای ایران، پیشنهادهای مدیرکل مبنی بر عادی شدن روابط ایران و آژانس در یک سلسله از موضوعات مرتبط با برنامه هسته‌ای را مسکوت گذاشته بدون آنکه آن را تصویب

^{۲۰} دکتر هدایت‌الله فلسفی، *حقوق بین‌الملل معاهدات*، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۷۹، ص پانزده؛ ملک شاو، *حقوق بین‌الملل*، ترجمه محمد حسین وقار، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴، ص ۳۴۲.

^{۲۱} Ian Brownlie, *Principles of Public International Law*, Oxford, Oxford University Press, 4th ed., 1990, p. 287.

^{۲۲} See: Wimbeldon Case, *PCIJ*, Serie A, no. 1, p. 25.

^{۲۳} See: M. van Leeuwen, "Introduction: The Future of the International Nuclear Non-Proliferation Regime", in: M. van Leeuwen, *The Future of the International Nuclear Non-Proliferation Regime*, Dordrecht, Martinus Nijhoff Publishers, 1995, p. 1.

^{۲۴} قبول چنین تحولی به نفع مقوله صلح و امنیت، چندان صحیح به نظر نمی‌رسد، چراکه اساساً آژانس دارای آنچنان صلاحیت عامی نیست که به بهانه تضمین عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، اصول مسلم و عام حقوق بین‌الملل را زیر پا بگذارد و حتی شورای امنیت - که موارد عدول از اصول حقوق بین‌الملل در رویه آن بسیار است - به هنگام صدور قطعنامه ۶۸۷ و درخواست از عراق برای عضویت در کنوانسیون ۱۹۷۲ سلاح‌های بیولوژیک، مورد سرزنش و انتقاد حقوقدانان قرار گرفت.

نماید. از طرف دیگر، شورا با سکوت نسبت به اظهارنامه‌های ایران، آن را به عنوان بخش مفتوح مانده پرونده ایران که مانع اختتام آن در آینده نزدیک خواهد شد، باقی گذاشت.

الف - سکوت آژانس در مورد وضعیت اظهارنامه‌های هسته‌ای ایران

همان‌طور که می‌دانیم، اظهارنامه اولیه هزار و چهل صفحه‌ای در مورد برنامه هسته‌ای کشور که بر اساس مواد ۲ و ۳ پروتکل تنظیم شد، اندکی قبل از نشست ژوئن به آژانس ارسال شد و به همین دلیل، آژانس فرصت چندانی برای بررسی و انعکاس نتایج آن در گزارش و قطعنامه قبلی نداشت. با این حال، در بند ۵ قطعنامه اشاره شده بود که از تسلیم اظهارنامه‌های ایران بر اساس مواد ۲ و ۳ پروتکل الحاقی استقبال می‌کند و بر اهمیت پای‌بندی ایران به ضرب‌الاجل‌های تعیین شده برای اظهارنامه‌های بعدی مورد مطالبه در ماده ۲ و ۳ پروتکل، و اینکه تمامی این اظهارنامه‌ها باید صحیح و کامل باشد تأکید می‌نماید.

با این حال، در قطعنامه اخیر به این مسأله هیچ اشاره‌ای نشده است، در حالی که لازم بود اقدام ایران به ارسال اظهارنامه اولیه (همانند قطعنامه ژوئن) به عنوان یکی از گام‌های برداشته شده جهت حل این بحران یاد می‌شد. در هر حال، اینکه اظهارنامه‌های ایران کامل و صحیح بوده‌اند یا نه، در گزارش آتی مدیرکل مشخص خواهد شد. از این جهت، یکی از محورهای مهم بحث پیرامون برنامه هسته‌ای کشور و آینده آن را همین موضوع تشکیل می‌دهد. در صورتی که موارد ابهام یا تعارضی در اظهارنامه اولیه وجود داشته باشد، بهانه برای مختومه نشدن پرونده کشور، کماکان محفوظ خواهد بود. در هر حال، در وضعیت کنونی این مسأله مبهم باقی مانده و این ابهام و علل عدم پردازش آن در قطعنامه اخیر، خود می‌تواند از جهات مختلف مورد تأمل قرار گیرد. این سکوت، شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد. شاید شورا منتظر آن است که در ماه نوامبر، از آن به عنوان موضوعی جهت ادامه وضعیت تحت بررسی پرونده مذکور استفاده نماید.

ب - سکوت نسبت به عادی شدن جزئی روابط ایران و آژانس

دبیرخانه آژانس با دسترسی به تأسیسات مرتبط با غنی‌سازی لیزری در تهران و کرج، ضمن تأیید اینکه سطح غنی‌سازی و برنامه لیزری ایران با آنچه ایران ابراز

داشته، مطابقت دارد در نهایت نتیجه گرفت که ادامه بررسی‌های آژانس در این خصوص در قالب اجرای قطعه‌نامه‌های شورای حکام ضرورت نداشته بلکه این امر باید در فرآیند پادمان عادی آژانس یعنی سند ۲۵۳ و ۵۴۰ پادمان تعقیب گردد. تنها این موضوع، به همراه رفع ابهام از «موارد اظهارشده تست آزمایشگاهی تبدیل اورانیوم»^{۲۵} است که در بررسی‌های آژانس در فاصله دو نشست گذشته، به صورت قطعی به نفع ایران تمام شده و یک مسأله قطعه‌نامه‌ای را به موضوعی عادی و مشمول نظارت‌های معمولی پادمان تبدیل کرده است. اما شورای حکام به رغم تکرار این موضوع از سوی مدیرکل در بیانیه‌شان در نشست سپتامبر، در قطعه‌نامه نهایی خود به این مسأله هیچ اشاره‌ای نکرده است.

نتیجه

شورای حکام با تأکید بر اینکه هنوز دو مسأله کلیدی جهت درک ماهیت برنامه هسته‌ای ایران در ابعاد غنی‌سازی باقی مانده است (بند‌های ۱ و ۵ قطعه‌نامه)، موارد دیگری را نیز به عنوان اعتمادسازی داوطلبانه مقرر داشته و مورد تأکید قرار داده است. این موارد را به عنوان لوازم عدم ارزیابی منفی شورا در نشست آتی به شرح زیر می‌توان عنوان کرد:

فراهم کردن دسترسی کامل آژانس به اماکن، افراد و اطلاعات مربوط به اجرای پادمان در پاسخ به درخواست آژانس، مشخص شدن منشأ آلودگی‌ها، مشخص شدن دامنه برنامه سانتریفوژ پی ۱ و پی ۲، تعلیق تمامی فعالیت‌های غنی‌سازی و بازفرآوری و تأیید آنها توسط آژانس، اجرای مداوم پروتکل و تصویب سریع آن، تجدیدنظر در ساخت رآکتور تحقیقاتی آب سنگین دراراک، همکاری کامل و فوری کشورهای ثالث و همکاری آنها با آژانس.

تنگ‌نظری اعضای اصلی و راهبر شورای حکام نسبت به تأیید ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران و حتی رویکرد متفاوت دبیرخانه با شورا را می‌توان در مقایسه

²⁵ Declared Uranium Conversion Experiments

قطعنامه نهایی با گزارش مدیرکل یافت. در گزارش آخر دبیرخانه آژانس، مسأله منشأ خارجی آلودگی اورانیوم با غنای بالا که در ایران یافت شده، تأیید گردید و تصدیق اظهارات ایران در مورد غنی‌سازی لیزری و عادی شدن بررسی‌های پادمانی آن یعنی خروج موضوع از شمول قطعنامه‌های شورای حکام، تأیید اقدامات ایران در تبدیل اورانیوم، تأیید تعلیق غنی‌سازی ایران در تأسیسات مورد بازرسی آژانس صورت گرفت اما شورا در قطعنامه خود هیچ یک از این موارد را به صورت صریح مورد تصویب قرار نداده است. هرچند بر اساس ماده ۱۲ اساسنامه آژانس، وظیفه و رسالت این سازمان کمک به تحقق اهداف و اصول منشور ملل متحد است اما این امر مجوزی نخواهد بود که شورای حکام با تشکیل نوعی شورای امنیت دوم، خود را نماینده جامعه بین‌المللی قلمداد کرده^{۲۶} و با اقدامی شبه قانونگذاری مشابه شورای امنیت، به تغییر اصول مسلم حقوق بین‌الملل بپردازد یا از حقوق سازمانی به عنوان جایگزین حقوق معاهدات استفاده کند. از این منظر، محدود کردن دامنه حق توسعه صلح‌آمیز دولت‌ها، مغایر با قلمرو صلاحیت این رکن بوده و اصرار بر تصویب پروتکل توسط ایران نیز عدول از اصل رضائی بودن پذیرش معاهدات بین‌المللی به نظر می‌رسد.^{۲۷}

بر اساس بند اول مقدمه و بند ۸ اجرایی قطعنامه اخیر، هنوز اعتبار تمامی قطعنامه‌های شورا به قوت خود باقی است. ابهامات قطعنامه اخیر گویای این است که شورا در نشست بعدی به اقدامی شگفت‌انگیز دست خواهد زد. به نظر می‌رسد در صورتی که مسائل حل نشده فعلی همچنان باقی بمانند یا در اثر بررسی اظهارنامه اولیه هسته‌ای ایران و یا نتایج نمونه‌برداری‌های انجام شده در چند ماه گذشته، ابهامات تشدید گردد، احتمال ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت قوت خواهد گرفت. مسلم است که این گزینه هرگز به نفع ایران نخواهد بود.

^{۲۶} در بند ۱۲ قطعنامه ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳، شورای حکام جلوه‌هایی از این رویکرد را به نمایش گذاشته است.

^{۲۷} از طرف دیگر، شورا با عدول از اقدام بی‌طرفانه، در مورد اظهارنامه اولیه ایران سکوت اختیار کرده و با تشدید نقاط منفی گزارش مدیرکل، از آن برای اعمال فشار بیشتر بر ایران استفاده نموده است بدون آنکه به روی دیگر این سکه یعنی همکاری‌های ایران با آژانس که مورد تأیید دبیرخانه نیز قرار گرفته، هیچ اشاره‌ای بنماید. تنها اشاره تلویحی در این مورد، بند C مقدمه قطعنامه است که از در حال پیشرفت بودن درک آژانس از ماهیت برنامه هسته‌ای ایران به نقل از گزارش سپتامبر، یاد نموده است.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. III, NO. 1

2004-1

Articles

- Integration of Islamic Countries and Specially Iran into International Legal-Economic System and its Challenges
- Public Hearing in the Light of International Instruments and National Law
- Judicial Interpretation of the Iranian Constitution and the Practice of the Administrative Court of Justice
- International Court of Justice and Advisory Opinion on Legal Consequences Arising from Construction of the Wall by Israel in the Occupied Palestinian Territory
- The New Resolution of the IAEA Board of Governors on Iran, An Assessment of the Respect for International Law
- Concept, Legal Nature and Formalities of Buy Back Investment Contracts
- The Protection of Patents in the World Trade Organization
- Methods of Restitution of Contractual Obligation Breach in the International Sales of Goods Convention
- The Prosecution of Senior State Officials in National Tribunals for International Crimes (Some Comments on the Congo v. Belgium Case)

Special Issue : Insufficiencies of the Law of Companies in Iran

- Legal Aspects of Capital in Joint-Stock Companies (Round-table)
- The Necessity of Amendment of Iranian Commercial Code Concerning Minimum Capital of Joint-Stock Companies
- The Rights of Minority Shareholders in Merger or Consolidation of Corporations
- Control of the Activities of Directors by Governmental Agencies in English and Iranian Legal Systems
- Legal Formalities for Transfer of Shares in Joint-Stock Companies

Critique and Presentation

- Reflections on UN Security Council Resolution 1559 on Lebanese Sovereignty and Withdrawal of Foreign Forces



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study